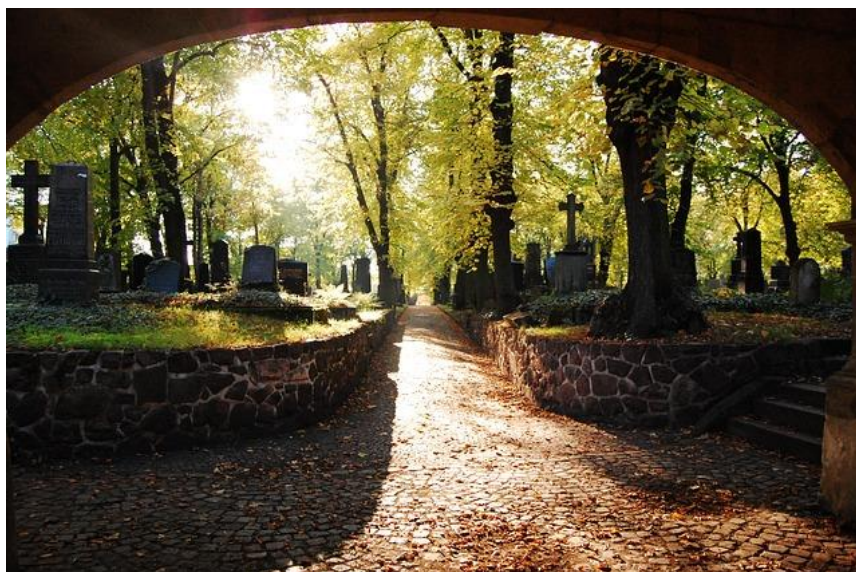


مرقس فصل 16 ایه 8-1



یک ادم بطور کل چه کاری می تواند بعد از یک مراسم خاکسپاری انجام دهد؟ یا از او چه رفتاری می تواند سر بزند؟ و یا چه لباسی بر تن می تواند بکند؟ و یا اصلاً چه چیزی بایستی در روز بعد و بالای سر قبر آن مرحوم ابراز نماید؟ زمانی که ما انسان ها در یک مراسم یادبود شرکت می نمایم خیلی مردد و حیرت زده هستیم. ما دوست داریم که در آن روز

هر کاری که انجام می دهیم برای آن شخص فوت شده باشد. ولی این را هم می دانیم که آن شخص فوت شده از هیچ یک از اعمال ما باخبر نخواهد شد.

مریم مجدلیه ، سالومه و مریم مادر یعقوب در روز یکشنبه با روحیه ای نچندان مناسب به سوی قبر عیسی برای انجام سنت مرده شویی با روغن های معطر رهسپار می شوند. آنها قصد داشتند که لاشه عیسی را با عطرهای خوش بو و پارچه های تمیز مطهر سازند تا از فاسد شدن آن جلوگیری نمایند. ولی آنها این کار را برای خودشان ناممکن می پنداشتند چراکه جلوی قبر عیسی یک سنگ بزرگی قرار داشت که آنها بایستی آن را از جلوی راه برمی داشتند. و برای حل این مشکل با یکدیگر صحبت می نمودند.

در این جا من میل دارم به یک نکته ای اشاره داشته باشم. ما می توانیم شروع رستاخیز عیسی را با یک سنت مراسم دیدار از مردگان آغاز نمایم. ولی در این ایین ما می بینیم که عیسی با رستاخیزش این سنت را از بین می برد. در این رویداد نه فقط آن سنگ بزرگ کنار زده شد بلکه آن تن مرده حالا جان گرفته است و به بیرون از غار رفته است و دیگر جسدی وجود ندارد که آن زنان بر روی آن گریه و زاری نمایند. ما میل داریم امروز همان تجربه ای که شاگردان عیسی در دیدار با او داشتند را دوباره تکرار نمایم. و ایین قدیم عید پاک را همانند روز تخم مرغ رنگی و خرگوش عید پاک را در مکان مناسب حقیقی خودش بازگردانیم. همانطوری که آن زنان در آن روز و در جلوی غار روغن ها و پارچه های خودشان را به سمتی پرت نمودند ما هم قصد داریم امروز اعتقادات خود به مرگ را دور انداخته و به یک زندگی جاویدان ایمان بیآوریم. ما می خواهیم از زنده شدن خدای مان عیسی مسیح حیرت زده بمانیم.

عیسی بالاخره به وجودیت مرگ برای همیشه خاتمه می بخشد. و برای ابلاغ این رخداد او فرشته ای را مامور این کار می گمارد. این فرشته تنها فقط یک وظیفه را برعهده داشت و آن هم این بود که به آن زنان بگوید که از این پس برای ادم های با ایمان دیگر مرگ معنایی ندارد و یک زندگی جاویدان در پیش روی آنهاست. و به همین خاطر به آنها می گوید: ای شمایی که به دنبال عیسی می گردید ، او دیگر اینجا نیست او زنده شده است. در آن لحظه آن زنان نمی توانستند این مطلب را به خوبی درک نمایند و با یک ترس خاصی به دور خود می نگرستند چراکه آنها تنها به فکر طهارت دادن جسد عیسی و برداشتن آن سنگ بزرگ از جلوی سر راه بودند ولی حال آنها با خبر زنده شدن عیسی شوکه زده شده اند. چیزی که در سر آن زنان می

گذشت خیلی سنگین تر و پیچیده تر از آن سنگ بزرگ جلوی ان غار بود. و از این حالا به بعد بایستی در فکرانها بدین گونه نقش ببندد که دیگر مقوله مرگ وجود حقیقی نخواهد داشت و از روز عید پاک به بعد ، زندگی ایمانداران شاهد مرگ نخواهد بود بلکه در انتظار زندگی جاویدان خواهند شد. مرقس در نامه خود اینگونه عنوان می دارد که از ترس و واهمه زیاد ، ان زنان قادر به سخن گفتن نبودند. شاید برای انها طهارت دادن یک جسد ، خیلی راحت تر از گفتن این واقعه به دیگران می بود. قبول درک رستاخیز عیسی خیلی برای ان زنان راحت نبود. این یک امر کاملا انسانی بوده که حتی امروزه هم اگر ما بخواهیم با جدی ات تمام به این موضوع فکر کنیم به همین روال می باشد. تعداد ادم هایی که درباره حقیقت رستاخیز عیسی دارای شک و تردید هستند ، کم نیست. برای خیلی از انها هنوز این سوال وجود دارد که ایا اصلا عیسی زنده شده است یا نه؟ و یا شاید این داستانی باشد که یک نفر ان را درست کرده است؟ اگر ما هم به این شکل و با این تفکرات باقی بمانیم ، بایستی ما هم با یک ظرف پر از عطر خوشبو بسوی عیسی و بر سر قبرش برویم. و از عید پاک دیگر هیچ چیز ارزشمندی باقی نخواهد ماند. بین یک مراسم خاکسپاری و زنده شدن راه فاصله بسیار کوتاهی قرار دارد. ایا ما انسانهای مسیحی با ایمان می توانیم این راه کوتاه رستاخیز شدن را ببیماییم؟ و یا ایا ما می توانیم بعنوان اجتماع مسیحیان این هدف و نگرش را در سر لوحه تمام فعالیت های مذهبی خودمان قرار دهیم. اگر فقط در بین ما صحبت از مرگ باشد و یا اگر در اجتماع ما از افرادی که با مرگ دسته پنجه نرم می کنند صحبت شود و از اشخاص با ایمان کم سخن زده شود در ان هنگام قلب ما سرشار از ناامیدی گشته شده است. ما مسیحیان اجازه نداریم که با همچنین افکاری مشغول باشیم و وجودیت مرگ را حقیقی بپنداریم.

ما انسان ها کار سختی را در پیشرو داریم تا از مرگ به رستاخیز شدن برسیم. در ان روز ان زنان بعد از ان واقعه به سمت خانه هایشان با ترس دویدند. اگر انها ان روز این کار را نمی کردند و سر جای خودشان باقی می ماندند ما امروز دیگر از عید پاک چیزی نمی دانستیم. در ان هنگام ان فرشته مهمترین جمله زندگی شان را به انها ابلاغ می دارد و ان هم این بود : عیسی در جلوی شما به راه افتاده است. و با این تفاسیر ان زنان می توانند با عیسی زنده دیدار داشته باشند و از راز عمل او باخبر گردند. این جمله اخر فرشته چنان مهم می باشد که می توان گفت تمام هدف و دید ما در روز عید پاک می تواند باشد. راهبری عیسی در جلوی ما ، یاد اور قوم اسرائیل در ان بیابان سوزان برای ما می شود. جایی که انها با مشکلات زیادی مبارزه می کردند. ولی با تمام ان وجود ابرهای روشن به انها این گواهی را می دادند که خدا هنوز با انها می باشد و راهبر انها باقی می ماند. و این دلخوشی را داشتند که همه چیز به خوبی تمام خواهد شد. ما انسان ها نیز امروزه به یک همچین ستونی برای تکیه کردن نیازمندیم. و برای همین خدا در عید پاک به ما بیشتر از یک قبر خالی هدیه می دهد او به ما عیسی زنده شده را نشان می دهد که جلو تر از همه ما قرار دارد. و همین عیسی ای که به ما همیشه یاد اور می شود که جایی که کلام من هست من هم در همان جا حضور دارم. جایی که شما با نام من جمع می گردید من هم در بین شما می باشم. و در مراسم نان و شراب به واضح برای ما این را آشکار ساخت و گفت: این جسم من است و این خون من است. اگر عیسی این کارها و این سنت ها را برای ما انجام نمی داد ما فقط یک قبر خالی از او داشتیم. و یا شاید هم با این فرض که اگر ان زنان و یا شاگردان عیسی در خانه هایشان باقی می ماندند ما این موهبت عیسی را از دست می دادیم. ولی می بینیم که عیسی در جلوی همه به راه می افتد حتی امروز هم او در جلوی ما قرار دارد و حرکت می نماید. هر فعالیتی که ما در کلیسا انجام می دهیم توسط عیسی زنده به رسمیت شناخته می شود. و با این کار خداوند به ما نشان می دهد که چه چیزی برای جشن گرفتن عید پاک داریم. و همچنین به ما یاد می دهد که یک مسیحی واقعی به چه شکلی می تواند باشد. این امکان هم دارد که خیلی از ماها با مقوله مرگ هر روز در کشمکش باشیم و یا شاید شک و دودلی هایی داشته باشیم. بله ، مرگ یک مسئله ای است که برای همه ما اتفاق خواهد افتاد ولی عیسی برای ما از مسیر مرگ عبور کرده است و در مسیر زندگی جاویدان و در جلوی ما پیش قدم شده است. وقتی که عیسی هنوز زنده است من هم می توانم برای همیشه زنده بمانم. در عید پاک این قضیه روشن می شود که ما بدون رستاخیز شدن عیسی هیچکاری نمی توانیم بکنیم. و فرقی هم نمی کند اگر ما همیشه کلیسا را تمیز بکنیم

و یا از مریض ها و یا نیازمندان مراقبت بنماییم. مهم آن است که ما کلید رستاخیزشدن عیسی را داشته باشیم. آن زنان هرگز نمی توانستند متوجه قبر خالی و فرشته کنار آن شوند ولی این را خوب درک کرده بودند که عیسی در جلوی آنها به راه افتاده است. خداوند هم امروز دوست دارد که ما انسانها از او بعنوان یک راهبر یاد نماییم. و این را او همیشه در کلام و اعمالش نشان داده است. و به همین خاطر ما دیگر در مرگ گرفتار نخواهیم شد. از همین حالا چه بر سر ما و یا کلیسای ما می گذرد نمی توانم نظری بدهم و یا چه زمانی بایستی که من با این دنیا خداحافظی نمایم نمی دانم و بعضی وقت ها ترسی در وجودم به راه می افتد. ولی اگر من بدانم که عیسی چندان از من دور نمی باشد بسیار خوشحال می شوم چراکه من دیگر یک مسیحی هستم و یک رستاخیزی در انتظار من است.

آمین